

اصول نظری جامعه‌شناسی

(جلد اول)

پویایی‌های کلان

جانانان اچ. ترنر

ترجمه

دکتر عادل ابراهیمی لویه

دکتر سلیمان میرزایی راجعونی

نازیلا عابدیان شهرکی



نشر لویه

۱۳۹۷



اصول نظری جامعه‌شناسی (پویایی‌های خرد)

جلد اول

مؤلف: جاناتان اچ. ترنر

ترجمه: عادل ابراهیمی لویه، سلیمان میرزائی راجعونی

نازیلا عابدیان شهرکی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷

ناشر: لویه

آماده‌سازی قبل از چاپ: زهرا عزیزی

تیراژ دوره سه جلدی: ۱۱۰۰ نسخه

شابک دوره: ۹-۳-۰۷۶۷۴-۶۰۰-۹۷۸

شابک جلد اول: ۹-۱۰-۰۷۶۷۴-۶۰۰-۹۷۸

بهاء: با جلد مخفی ۳۰۰ تومان جلد سخت ۴۸۰۰۰ تومان

Turner, Jonathan H	ترنر، جاناتان اچ، ۱۹۴۲ - م	سرشناسه
اصول نظری جامعه‌شناسی	جانان اچ. ترنر؛ مترجمان عادل ابراهیمی لویه، سلیمان میرزائی راجعونی، نازیلا عابدیان شهرکی	عنوان و نام پدیدآور
تهران: لویه، ۱۳۹۶		مشخصات نشر
۳ ج: جدول، نمودار		مشخصات ظاهری
دوره ۹-۳-۰۷۶۷۴-۶۰۰-۹۷۸ ج ۱: ۹-۱۰-۰۷۶۷۴-۶۰۰-۹۷۸		شابک
فیفا		وضعیت فهرست نویسی
Theoretical principles of sociology	عنوان اصلی:	یادداشت
واژه‌نامه		یادداشت
ج ۱. پویایی‌های کلان - ج ۲. پویایی‌های خرد - ج ۳. پویایی‌های متوسط		مندرجات
Social groups	گروه‌های اجتماعی	موضوع
Sociology	جامعه‌شناسی	موضوع
ابراهیمی لویه، عادل، ۱۳۴۱، مترجم		شناسه افزوده
میرزایی راجعونی، سلیمان، ۱۳۴۶، مترجم		شناسه افزوده
عابدیان شهرکی، نازیلا، ۱۳۵۸، مترجم		شناسه افزوده
۱۳۹۶ الف ۶ / ت ۷۱۶ HM		رده‌بندی کنگره
۳۰۲/۳		رده‌بندی دیویی
۵۱۲۱۸۴۵		شماره کتابشناسی ملی

آدرس نشر لویه: خیابان انقلاب بین کارگر و جمالزاده خیابان فرصت روبروی مدرسه مبتکران پلاک ۵۶

۰۹۱۲۱۲۲۸۹۳۱-۶۶۹۷۴۵۶۱

این روزها ارائه «نظریه کلان» درباره پویایی سازمان اجتماعی انسان امری متداول نیست. از نظر بسیاری این نوع فعالیت توسط محققانی چون اسپنسر یا ویلفردو پاره‌تو به شکست انجامیده است، هرچند که جامعه‌شناسی هنوز هم به ستایش کسانی چون کارل مارکس، ماکس وبر و امیل دورکیم که طرح‌های نظری جامعی را ارائه کرده‌اند، ادامه می‌دهد. نظریات عمومی اخیر از قبیل تلاش تالکوت پارسونز برای ارائه نوعی نظریه عمومی درباب کنش اغلب به عنوان نمونه‌هایی به ما کمک می‌کند تا دریابیم وقتی که نظریه‌پردازان در سطح «بسیار بزرگ» می‌اندیشند کجاها دچار اشتباه می‌شوند. فرانوگرایی با انتقاد از همه «روایت‌های کلان» کمکی ننموده و حتی خودشان به عنوان فرانوگرایان مبادرت به ارائه چنین روایت‌های کلان کرده‌اند. یک راه مسدود شده دیگر جهت نظریه‌پردازی کلان، تخصصی شدن دراطی جامعه‌شناسی نه تنها در حوزه پژوهش‌های تجربی بلکه در نظریه‌پردازی است. نظریه‌های خوب، نظریه‌های پذیرند و فرض می‌شود (به طور نادرست) که نظریه‌های آزمون‌پذیر بایستی کم دامنه یا حتی بردار سطح باشند. نتیجه این کار تقسیم نظریه‌ها به اردوگاه‌ها و برنامه‌های پژوهشی متنوع است. حتی نظریات عمرانی مربوط به تحولات فرهنگی، از جمله ستیز، مبادله، تعامل نمادی و بوم‌شناسی انسانی از یکدیگر جدا شده و دارای توان زایش فکری اندکی می‌باشند. بنابراین، امروزه برای ارائه نظریه کلان در جامعه‌شناسی، نوانم زیادی وجود دارد.

مشکلات مربوط به نظریه‌پردازی کلان به بی‌نهایتی نظریات که بتوانند بخش بزرگی از سازمان اجتماعی را توضیح دهند برنمی‌گردد بلکه بیشتر، مسئله اجرای آنها مربوط هست. برای نمونه، هم اسپنسر و هم پارسونز کاملاً در ارائه نظریات‌شان رسمی هستند ولی با وجود این، نظریات‌شان هنوز مبهم به نظر می‌رسد. رهیافت پارسونز یک سیستم مقوله‌ای رسمی را تولید نموده که در پژوهش واقعیت تجربی کمک شایان می‌نماید اما این سیستم مقوله‌ای قوانین انسانی درباره پویایی واقعیت ارائه داده است. فرانوگرایان همانند همه رهیافت‌های انتقادی به شدت سرگرم اتحاد از علم بوده و به نظر می‌رسد که ادعاهایشان در حد ادعا باقی است و برای آزمون‌شان هیچ استاندارد‌های یک «معرفت‌شناسی شکست خورده» را ارائه دهند. همچنین، امروزه اکثر جامعه‌شناسان معتقدند که نظریه‌پردازی کلان یکی از اشتباهات گذشته بوده و به هر حال، جامعه‌شناسی از چنین اشتباهاتی از طریق توسل به نظریه‌های محدود، قابل مدیریت و آزمون‌پذیر عبور کرده است. بنابراین، جو فکری برای تلاشی دیگر جهت ارائه نظریه کلان فراهم نیست و شاید به نظرم لحظه بت شکنی و شکستن میثاق‌های جاری و طرح یک نظریه کلان درباب سازمان اجتماعی انسان فرا رسیده است.

به نظر من جامعه‌شناسی نظری مجموعه وسیعی از اصول و مدل‌های تبیینی را بسط داده است که می‌توان آنها را در یکدیگر ادغام کرد. ما نسبت به چهار دهه قبل زمانی که من وارد این رشته شدم درباره جریایی و چگونگی عملکرد جهان اجتماعی مطالب زیادی می‌دانیم اما در فهم این نکته که جهان اجتماعی

چرا و چگونه عمل می‌کند، شکست خورده‌ایم، زیرا که این دانش پراکنده بوده و در درون سنت‌های پژوهشی و نظری محدود قرار دارد. دلیل دیگر این شکست به نقد معرفت‌شناختی مداوم هرگونه تلاشی برای دست یافتن به نظریه‌های کلان برمی‌گردد، از این رو اکثر نظریه‌ها کوشیده‌اند تا در درون شبکه‌های حمایتی‌شان باقی بمانند و در معرض این انتقادات بیرحمانه قرار نگیرند. فکر می‌کنم زمان آن فرا رسیده است که این انتقادات را فراموش کرده و در پی نظریه‌پردازی کلان باشیم و در این مسیر بهتر درک خواهیم کرد که جامعه‌شناسی به عنوان یک علم تبیینی چه جایگاهی دارد. نظریه‌پردازان کلاسیک، به ویژه مارکس، وبر، اسپنسر، دورکیم، زیمل و حتی مید (گرچه وی جامعه‌شناس نبود) اصول جامعه‌شناسی زیادی در اختیار قرار می‌دهند و این همان رازی است که ما هنوز هم آثارشان را مطالعه می‌کنیم. چهره‌های معاصر هم کوشیده‌اند تا همین کار را انجام دهند ولی ادعای کمی دارند، به خاطر دلایلی که برابرم روشن نیست. اصول مطرح شده توسط چهره‌های کلاسیک قابل پذیرش هستند در حالیکه همان تلاش توسط معاصران ناری داده لوحانه یا «نادرست» محسوب می‌شود. من عمداً عنوان این جلد و دو جلد دیگر را به تأسی از اصول جامعه‌شناسی هربرت اسپنسر و اصول جامعه‌شناسی علمی والت و والاس (۱۹۸۳)، «اصول جامعه‌شناسی» نامیده‌ام. نکته مهم این است که اگر جامعه‌شناسی همچنان به رد تلاش‌های معطوف به بسط قوانین مربوط به سازمان اجتماعی انسان ادامه دهد، ما این رشته را از دست خواهیم داد و به نظر من رشته‌ای خواهد بود که مشکلات فراوانی که نمی‌تواند توضیح دهد چگونه تعداد زیادی از افراد در جوامع بزرگ سازماندهی می‌شوند.

بنابراین، آنچه در نظر دارم، بهم رساندن نظریه‌پردازی از سنت‌های مختلف و ادغام آنها در یک نظریه کلی است. استدلال خواهیم کرد که جهان اجتماعی در سه سطح کلان، متوسط و خرد خودش را آشکار می‌سازد و این سطوح به لحاظ تحلیلی از یکدیگر متمایز و نشان می‌دهند که جهان اجتماعی به طور واقعی چگونه ساخت یافته است. بنابراین، یک نظریه کلان باید: (۱) با ارائه مفاهیم کلی نشان دهد که ویژگی‌های این سه سطح سازمان اجتماعی انسانی کدامند، (۲) با ارائه اصول توضیح دهد که نیروهای عمل‌کننده این ویژگی‌ها کدامند و به موجب آن (۳) تبیینی کلی از واقعیت اجتماعی در تمام سطوح سازمان اجتماعی ارائه دهد. این همه خواسته من است و در واقع بخش بسیاری از این کار سنگین توسط دیگران انجام گرفته است. آنچه اکنون لازم است بهم رساندن کارهای انجام گرفته و ارائه آنها در قالب اصول و مدل‌های انتزاعی مربوط به نیروهای عمل‌کننده جهان اجتماعی است. یقیناً، این نوعی نظریه کلان است اما واضح و قابل آزمون.

جانانان اچ. ترنر

۲۰۱۰ میلادی

فهرست مطالب

۱۱	فصل اول: گام‌های اولیه در بسط نظریه جامعه‌شناختی عمومی
۱۱	بازگشت به نظریه کلان
۱۵	موضع‌گیری نسبت به مسائل اساسی در نظریه‌پردازی جامعه‌شناختی
۱۵	حفظ سادگی نظریه‌ها
۱۹	نظریه‌های قانون‌مدارانه چه می‌توانند و چه نمی‌توانند انجام دهند؟
۲۳	یک طرح مفهومی ساده
۲۳	واقعیت اجتماعی سطح کلان
۲۵	واقعیت اجتماعی سطح متوسط
۲۷	جمعیت اجتماعی سطح خرد
۲۹	طرح مفهومی ساده شده
۳۱	نتیجه‌گیری
۳۳	فصل دوم: فشارهای انتخاب و تحول قلمروی پویایی کلان
۳۴	کارکردگرایی در کجا دچار اشتباه شده؟
۳۵	پویایی‌های انتخاب
۳۵	راجع به بینش‌های اولیه هربرت اسپنسر
۳۶	انتخاب دورکیمی و اسپنسری
۴۱	نیروها و پویایی‌های انتخاب
۴۴	نیروها، انتخاب و تمایز
۵۰	تأسیس واقعیت اجتماعی کلان
۵۳	فصل سوم: نیروهای قلمروی پویایی کلان
۵۴	جمعیت به عنوان یک نیروی اجتماعی
۵۵	تحلیل مالتوس از رشد جمعیت و «چهار سوار کار»
۵۹	مدل هربرت اسپنسر از پویایی جمعیت
۶۰	مدل امیل دورکیم از پویایی جمعیت
۶۲	مدل ترکیبی از پویایی‌های جمعیت
۶۷	اصل مقدماتی مربوط به پویایی جمعیت
۶۹	پویایی تولید
۶۹	عناصر تولید
۷۸	اصل مقدماتی مربوط به پویایی‌های تولید
۷۹	توزیع به عنوان یک نیروی پویای کلان
۷۹	زیرساخت‌های توزیعی
۸۱	بازارها و پویایی مبادله به عنوان نیروی اجتماعی پیش برنده

۸۷	ظهور و گسترش بازارهای پویا
۹۳	مدلی عمومی مربوط به پویایی مبادله توزیعی
۹۴	اصل مقدماتی مربوط به پویایی‌های توزیع
۹۶	تنظیم به عنوان نیروی پویایی کلان
۹۷	تثبیت قدرت
۱۰۲	تمرکز قدرت
۱۰۴	مدل‌سازی پویایی تثبیت و تمرکز قدرت
۱۰۷	مینای فرهنگی تنظیم
۱۱۱	اصل مقدماتی مربوط به تنظیم به عنوان یک نیروی پویایی کلان
۱۱۲	بازتولید به عنوان یک نیروی پویایی کلان
۱۱۲	ماهیت بازتولید جوامع انسانی
۱۱۳	تغییر مدیری نهادی بازتولید
۱۱۴	اصل مقدماتی مربوط به بازتولید به عنوان یک نیروی پویایی کلان
۱۱۵	نتیجه‌گیری
۱۱۹	فصل چهارم: پویایی‌های قلمروهای نهادی
۱۲۰	ظهور و تحول قلمروهای نهادی
۱۲۰	تمایز بین نهادی
۱۲۵	تمایز درون نهادی
۱۲۹	مکانیسم‌های ادغام درون قلمروهای نهادی
۱۳۰	مکانیسم‌های فرهنگی ادغام
۱۳۹	مکانیسم‌های ساختاری ادغام نهادی
۱۵۵	تفاوت الگوها در ادغام میانی قلمروهای نهادی
۱۵۶	ادغام درون نهادی
۱۵۷	ادغام بین نهادی
۱۶۰	اصول مقدماتی مربوط به پویایی‌های نهادی
۱۶۴	نتیجه‌گیری
۱۶۷	فصل پنجم: پویایی‌های نظام‌های قشربندی
۱۶۸	ویژگی‌های اساسی نظام‌های قشربندی
۱۶۸	توزیع نابرابر منابع با ارزش
۱۸۰	شکل‌گیری طبقات
۱۸۷	رده‌بندی رتبه‌ای طبقات
۱۹۴	تحرك در بین طبقات
۱۹۶	پویایی‌های ادغامی نظام‌های قشربندی
۱۹۶	تمایز نهادی و قشربندی
۱۹۸	قشربندی و ادغام
۲۰۵	قشربندی و واگرایی

۲۰۵	قشربندی و فروپاشی نظام سیاسی
۲۲۲	اصول مقدماتی مربوط به پویایی قشربندی
۲۲۶	نتیجه‌گیری
۲۲۹	فصل ششم: پویایی‌های نظام‌های جامعوی
۲۲۹	ویژگی‌های نظام‌های جامعوی
۲۳۰	عناصر پویایی جامعوی
۲۳۱	قلمروهای نهادی و پویایی‌های جامعوی
۲۳۱	تمایز نهادی
۲۳۶	ادغام نهادی
۲۴۸	نهاد پویایی‌های جامعوی
۲۵۵	قشربندی و پویایی‌های جامعوی
۲۵۵	ساختار قشربندی جامعوی و تغییر پایه ادغام
۲۵۸	اندام نظام‌های قشربندی و پویایی‌های جامعوی
۲۶۸	قشربندی، ادغام از در طی تحول جامعوی
۲۸۱	نظام‌های اجتماعات، پویایی‌های جامعوی
۲۸۲	تحول نظام‌های اجتماعات
۲۸۶	ادغام ساختاری اجتماعات
۲۹۲	ادغام فرهنگی اجتماعات
۲۹۴	اصول مقدماتی مربوط به پویایی‌های جامعوی
۲۹۷	نتیجه‌گیری
۳۰۱	فصل هفتم: پویایی‌های نظام‌های بین جوامع
۳۰۳	نظام‌های بین جوامع ژئوپلیتیکی
۳۰۳	انواع صورت‌بندی‌های ژئوپلیتیکی
۳۰۵	شرایط بسیج ژئوپلیتیکی
۳۰۹	شرایط گسترش قلمرو
۳۱۳	شرایط افزایش اندازه صورت‌بندی‌های ژئوپلیتیکی
۳۱۶	شرایط فروپاشی ژئوپلیتیکی
۳۱۷	اصول مقدماتی مربوط به صورت‌بندی‌های ژئوپلیتیکی
۳۲۰	نظام‌های بین جوامع ژئواکونومیک
۳۲۳	پویایی‌های نظام‌های ژئواکونومیک وابستگی
۳۲۶	پویایی‌های نظام‌های بین جوامع ژئواکونومیک بازار آزاد
۳۳۰	اصول مقدماتی مربوط به صورت‌بندی‌های ژئواکونومیک
۳۳۲	نتیجه‌گیری
۳۳۵	فصل هشتم: اصول پویایی‌های کلان
۳۳۶	اصول پویایی‌های کلان

۳۳۶	اصل مقدماتی مربوط به پویایی‌های جمعیت
۳۳۷	اصل مقدماتی مربوط به پویایی‌های تولید
۳۳۸	اصل مقدماتی مربوط به پویایی‌های توزیع
۳۳۹	اصل مقدماتی مربوط به تنظیم به عنوان یک نیروی پویایی کلان
۳۳۹	اصل مقدماتی مربوط به بازتولید به عنوان یک نیروی پویایی کلان
۳۴۰	اصول مقدماتی مربوط به پویایی‌های نهادی
۳۴۳	اصول مقدماتی مربوط به قشربندی
۳۴۷	اصول مقدماتی مربوط به پویایی‌های جامعه‌ی
۳۴۹	اصول مقدماتی مربوط به نظام‌های بین جوامع
۳۵۵	نتیجه‌گیری
۳۵۷	منابع
۳۶۵	واژه‌نامه انگلیسی - فارسی